



فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقهات

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴، ص ۱۴ تا ۳۰


تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹



بررسی تطبیقی فقه سنتی و پویا در نظر امام خمینی (قده) و آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

سید رضا غضنفری  طلبه سطح سوم حوزه علمی قم

reza21102110@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی و تطبیق دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون فقه سنتی و پویا و نقش آن در حکمرانی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در منظومه فکری این دو فقیه، پویایی فقه به معنای تأسیس «فقه جدید» و گسست از مبانی نیست؛ بلکه فقه پویا و اجتهاد جواهری، ظرفیت ذاتی و تکامل عملیاتی فقه سنتی برای پاسخگویی به مقتضیات زمان و مکان و مسائل نوظهور حکومتی است. بر این اساس، با دخالت عنصر زمان و مکان (در اندیشه امام) و تعمیم فقه به عرصه‌های کلان نظام‌سازی (در اندیشه رهبری)، فقه سنتی بستر اصلی استخراج احکام و فقه پویا سازوکار اجرایی آن در اداره جامعه محسوب می‌شود. کلید واژه: فقه سنتی، فقه پویا، اجتهاد جواهری، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

فقه اسلامی، به‌عنوان رکن اصلی نظام حقوقی اسلام، همواره در برابر تحولات اجتماعی و نیازهای مستحدثه قرار گرفته است. از این‌رو، دیدگاه‌های فقیهان درباره پویایی و انعطاف‌پذیری فقه نقش مهمی در پاسخ‌گویی به چالش‌های معاصر ایفا می‌کند. امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای هر دو از فقیهان برجسته‌ای هستند که در منصب ولی فقیه قرار گرفتند و در واقع مجری فقه به‌عنوان فقیه در جامعه شدند و در زمینه اجتهاد و تحول فقه، رویکردهای قابل‌توجهی ارائه داده‌اند. این پژوهش، با رویکردی تطبیقی، تلاش دارد دیدگاه‌های این دو فقیه را درباره فقه سنتی و پویا بررسی کند.

امروزه در گام دوم انقلاب اسلامی، دوگانه‌ای در فضای علمی حوزه‌های علمیه مطرح می‌شود که خوانش‌های متفاوت از آن، اساس رویکرد طلاب و برون‌داد آموزشی و تربیتی حوزه‌های علمیه را دستخوش تغییر کرده است. از حیاتی‌ترین پرسش‌ها در دنیای متجدد کنونی، پاسخ به سؤال از ظرفیت فقه و فقهات سنتی حوزه به نیازهای جدید دنیای مدرن است. در دنیای امروز، که مسائل حقوقی و اجتماعی در حال تغییر و تحول دائمی هستند، شناخت اصول اجتهادی و روش‌شناسی فقهی اندیشمندان اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی تفاوت‌ها و نقاط مشترک میان رویکردهای امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند به درک بهتر سازوکارهای فقه پویا و ظرفیت‌های آن برای مواجهه با مسائل نوظهور و مستحدثه کمک کند.

پژوهش‌های متعددی درباره اجتهاد، فقه سنتی و تحول آن صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد در سال ۱۳۷۴ می‌باشد. در این کنگره چندین نشست، مقاله و کتاب با موضوع فقه سنتی و پویا ارائه شد. در این میان، برخی مطالعات به نقش امام خمینی در احیای اجتهاد پویا پرداخته‌اند، در حالی که برخی دیگر جنبه‌های فقه سنتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. باین‌حال، مطالعات تطبیقی درباره دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این مطالعه از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره می‌گیرد و با استفاده از بیانات و آثار مکتوب امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای و مقالات علمی مرتبط، به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های آنان می‌پردازد. جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام شده و استدلال‌های فقهی آنان با استفاده از تحلیل کیفی بررسی خواهد شد. مقاله حاضر ابتدا به بررسی مفهوم فقه سنتی و پویا خواهد پرداخت. سپس دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای درباره فقه پویا و روش‌های استنباط احکام فقهی بررسی و مقایسه می‌شود. در نهایت، نتایج پژوهش ارائه خواهد شد.

فصل اول: مفهوم‌شناسی

در این فصل، به تعریف مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع مقاله پرداخته می‌شود. آشنایی دقیق با این مفاهیم نه‌تنها به درک بهتر محتوا کمک می‌کند، بلکه امکان تحلیل دقیق‌تر و



ارتباط مؤثرتر با منابع علمی و تخصصی را فراهم می‌سازد. با توجه به اختلاف نظر در تعریف فقه سنتی و پویا، مباحث تخصصی پیرامون تعریف دقیق از فقه سنتی و پویا در فصول بعدی ارائه خواهد شد.

۱.۱.۱. فقه

۱.۱.۱.۱ الف) فقه در لغت:

واژه «فقه» از ریشه «ف ق ه» و در لغت به معنای فهم و ادراک عمیق و دقیق است. این فهم، صرفاً درک ظاهری نیست، بلکه شامل نفوذ در کُنه مطلب و رسیدن به درک صحیح و جامع از آن است. لغت‌شناسان بزرگ عرب، بر این معنا تأکید کرده‌اند:

ابن منظور در لسان العرب ذیل ماده «فقه» آورده است: «الفقه: العلم بالشیء، و الفهم له» یعنی فقه، دانستن چیزی و فهم آن است، و سپس می‌افزاید: «فقه الرجل فقهاً: صار فقیهاً، و الفقه: العلم و الفهم» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۰۸). این تعریف بر معنای علم و فهم تأکید دارد.

فیومی در مصباح المنیر نیز فقه را به معنای فهم چیزی دانسته که بر درک عمیق و دقیق دلالت می‌کند (فیومی، مصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۱).

جوهری در صحاح اللغة فقه را به معنای علم و فهم دانسته و فقیه را کسی می‌داند که به آن آگاهی دارد (جوهری، صحاح اللغة، ج ۶، ص ۲۱۳۳).

صاحب العین نیز فقه را به معنای فهم عمیق در دین بیان کرده است (خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۸۱).

ابن فارس در مقاییس اللغة فقه را از جمله کلماتی دانسته که ریشه‌ای واحد به معنای فهم دارد و می‌گوید: «الفاء والقاف والهاء أصل واحد، يدل على إدراك الشيء و العلم به. يقال: فقه الرجل إذا علم» (ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۴۴۵).

مرتضی زبیدی در تاج العروس نیز تعریف مشابهی از فقه ارائه داده و بر فهم دقیق و عمیق تأکید می‌کند (زبیدی، تاج العروس، ج ۲۵، ص ۴۰۴).

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن فقه را به «دانستن معنای دقیق و عمیق چیزی» معنا کرده و آن را خاص علوم دین می‌داند. وی می‌نویسد: «الفقه: هو التوصل إلى علم غائب بعلم شاهد» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۴۳).

۱.۱.۱.۲ ب) فقه در اصطلاح:

در اصطلاح علمای اسلامی، فقه به «علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی آن‌ها» اطلاق می‌شود. این تعریف که به «علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی» مشهور است، مورد قبول اکثر فقهای شیعه است، اما هر یک از بزرگان با تأکید بر جنبه‌ای خاص یا با بیانی متفاوت، آن را تبیین کرده‌اند:

شهید اول (شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی) در کتاب «القواعد و الفوائد»، فقه را این‌گونه تعریف می‌کند: «الفقه هو علم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية» (شهید اول، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۸). این تعریف، تعریفی جامع و مورد قبول بسیاری از فقهاست که بر سه رکن اصلی «علم به احکام شرعی»، «فرعی بودن احکام» و «استناد به ادله تفصیلی» تأکید دارد.

شهید ثانی (شیخ زین‌الدین بن علی عاملی) در «الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية»، همین تعریف را تأیید و تبیین می‌کند و بر اهمیت ادله تفصیلی در استنباط احکام تأکید می‌ورزد. او نیز فقه را علمی می‌داند که به استنباط احکام عملی از منابع خاص خود می‌پردازد (شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۱، ص ۸).

آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی: ایشان در مقدمه «وسيلة النجاة» که رساله عملیه جامع ایشان است، اگرچه مستقیماً به تعریف نظری فقه نمی‌پردازند، اما در تبیین هدف این کتاب، عملاً به ماهیت فقه اشاره می‌کنند. فقه از منظر ایشان، مجموعه‌ای از احکام شرعی فرعی است که مکلفین برای انجام وظایف دینی و دنیوی خود به آن نیازمندند (اصفهانی، وسیله النجاة، مقدمه یا باب اجتهاد و تقلید، ج ۱، ص ۴).

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی: ایشان در کتاب «مصباح الاصول» که تقریرات درس اصول ایشان است، ضمن بحث از موضوع علم اصول و رابطه آن با فقه، به ماهیت فقه اشاره دارند. فقه از منظر ایشان، علمی است که به وسیله ادله شرعیه (قرآن، سنت، اجماع، عقل)، حکم شرعی فرعی را برای مکلف ثابت می‌کند. این تعریف بر اهمیت «دلیل» و «اثبات حکم» تأکید دارد (خویی، مصباح الاصول، ج ۱، ص ۱۷-۲۰، در بحث از موضوع علم اصول و غایت آن).

۱.۲. فقه سنتی

۱.۲.۱. الف) سنت در لغت:

واژه «سنت» از ریشه «س ن ن» و در لغت به معنای راه و روش، شیوه و عادت است؛ خواه این راه نیکو باشد یا ناپسند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۲۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۲۷۹. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۴. زبیدی، تاج العروس، ج ۳۵، ص ۳۴۸).

۱.۲.۲. ب) سنت در اصطلاح:

در اصطلاح علم فقه، سنت به معنای قول، فعل و تقریر معصوم (پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)) است. این مفهوم، یکی از مهم‌ترین منابع استنباط احکام شرعی پس از قرآن کریم است (منابع مختلف علم اصول).

۱.۲.۳. ج) فقه سنتی:

فقه سنتی، در اصطلاح فقها و اندیشمندان علوم اسلامی، به رویکردی اطلاق می‌شود که بر اساس روش‌های استنباط احکام فقهای متقدم استوار است. می‌توان گفت در فقه سنتی،



روش استنباط، نوع برخورد با حکم و موضوع، و استناد به ادله، به همان روشی که در طول چند صد سال فقاهت نهادینه شده‌اند صورت‌بندی می‌شود. تعریف اصطلاحی دقیق این واژه نیازمند بررسی دقیق می‌باشد. در این نگاشته، نگارنده فقه سنتی را در نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌نماید.

۱.۳. فقه پویا

فقه پویا در اصطلاح فقها به معانی مختلفی اطلاق می‌شود، ولی روح مشترک همه تعاریف، به‌روز بودن و جدید شدن فقه می‌باشد که گستره آن اختلاف دارد. تعریف اصطلاحی دقیق این واژه نیازمند بررسی دقیق می‌باشد. در این نگاشته، نگارنده فقه پویا را در نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌نماید.

۲. فقه سنتی و پویا در اندیشه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) به‌عنوان معمار نظام جمهوری اسلامی و احیاگر فقه شیعه، رویکردی نوین به فقه سنتی ارائه کرد که هم به اصالت متون شرعی پایبند بود و هم پاسخگوی نیازهای متحول جامعه بشری. درک دیدگاه ایشان مستلزم تحلیل مفاهیم پایه، مبانی نظری و مصادیق عملی در بیانات و عملکرد ایشان است. این فصل با بررسی تطبیقی مفاهیم، نقش زمان و مکان، و کاربست عملی فقه در اندیشه امام، چارچوب نظری منسجمی را ترسیم می‌کند.

۲.۱. فقه سنتی از منظر امام خمینی (ره)

از دید امام، فقه سنتی نه یک مجموعه خشک تاریخی، بلکه روش اجتهادی مبتنی بر ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) است که از سوی مشایخ شیعه مانند صاحب جواهر تثبیت شده است. ایشان بر حفظ این بنیان‌های نظری تأکیدی حیاتی داشتند.

۲.۱.۱. تأکید بر روش اجتهاد سنتی

امام خمینی (ره) بر لزوم حفظ روش اجتهادی سنتی، که آن را تنها راه حفظ فقه اسلامی می‌داند، تأکید فراوانی داشته‌اند. ایشان در وصیت‌نامه سیاسی-الهی خود به صراحت متذکر می‌شوند: «لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقاهت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم - که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است - منحرف شوند» (وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام خمینی، ص ۳۹۳).

این موضع‌گیری امام نشان می‌دهد که برای ایشان، «سنت» در فقه نه به معنای تصلب و عقب‌ماندگی، بلکه به مفهوم پایبندی به متدولوژی اثبات‌شده اجتهاد شیعی است. ایشان با معرفی این متد به‌عنوان «تنها راه برای حفظ فقه اسلامی»، مشروعیت و اعتبار هرگونه نوآوری را منوط به حرکت در چارچوب اصول شناخته‌شده فقه جواهری می‌دانند. در حقیقت، امام (ره) انضباط علمی را ضامن بقای اسلام و هویت حوزه‌های علمیه می‌دانستند و هرگونه تلاش برای

ایجاد فقهی خارج از این اصول را تهدیدی برای ساختار علمی شیعه قلمداد می‌کردند (وصیت‌نامه سیاسی-الهی امام خمینی، ص ۳۹۳).

۲.۱.۲. اجتناب از انحراف و خطر هلاکت حوزه‌ها

ویژگی‌های کلیدی این فقه، پابندی به استنباط از متن ادله شرعی، اجتناب از قیاس و استحسان (روش‌های اهل سنت) و حفظ چارچوب‌های شناخته‌شده اصول فقه است که امام خمینی (ره) عبور از آن را به منزله هلاکت حوزه‌های علمیه معرفی می‌کند. ایشان در سال ۱۳۶۵ به مسئولان شورای مدیریت حوزه علمیه قم یادآور می‌شوند که: «قضیه تحصیل هم باید به نحوی باشد که فقه سنتی فراموش نشود. و آن چیزی که تا به حال اسلام را نگه داشته است، همان فقه سنتی بوده است... ممکن است اشخاصی بگویند که باید فقه تازه‌ای درست کرد که این آغاز هلاکت حوزه است و روی آن باید دقت بشود» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۱۹۰).

این هشدار صریح امام (ره)، نشان‌دهنده دغدغه اصلی ایشان در دوران پس از انقلاب است؛ حفظ اصالت منابع و روش استنباط. امام (ره) هرگونه تلاش برای «درست کردن فقه تازه‌ای» را نه یک اصلاح، بلکه یک انحراف قلمداد می‌کند که «آغاز هلاکت حوزه» خواهد بود (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۱۹۰). این امر نشان می‌دهد که از نظر ایشان، فقه سنتی (با روش اجتهاد جواهری) همان «راه مستقیم الهی» است که ضامن رشد و عظمت ملت‌ها و حکومت عدل الهی محسوب می‌شود. عبور از این اصول به معنای مقدمه سقوط احکام اسلامی تلقی می‌شود (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۴۰۰).

بر پایه چنین برداشتی، حضرت امام (ره) معتقد بودند که حوزه علمیه قم را بایستی برای تربیت فقیهان سنتی تقویت کرد. ایشان با نگاهی استراتژیک به آینده اسلام، تربیت فقیهانی که به این اصول پایبند باشند را شرط بقای دین می‌دانستند. ایشان خطاب به مسئولین امر هشدار می‌دهند که اگر در تربیت فقیهان سنتی کوتاهی شود، اسلام در خطر نابودی قرار خواهد گرفت و تأکید می‌کنند: «مطمئن باشید که نمی‌گذرد یک نیم قرن، الا اینکه از اسلام هیچ اسمی دیگر نباید باشد» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۲۱۹). این عبارت نشانگر آن است که امام (ره) بقای فقه و در نتیجه دین اسلام را به‌طور کامل به تداوم روش‌های سنتی اجتهادی گره می‌زنند.

۲.۲. پویایی ذاتی فقه سنتی

امام خمینی (ره) به‌رغم تأکید بر سنت، فقه را ایستا نمی‌دانستند. ایشان فقه را تئوری اداره انسان و جامعه می‌دانند و بر این باورند که «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۸۹). بر همین اساس، در پاسخ به اتهام ناکارآمدی فقه و فقاہت در اداره جامعه و حکومت، همواره در پی اثبات کارآمدی فقه بوده‌اند.

۲.۲.۱. نفی اتهام ناکارآمدی فقه در عصر جدید

امام (ره) در نامه‌ای که سال ۱۳۶۶ مرقوم داشته‌اند، به مقابله با تبلیغات گسترده فرهنگی



غرب و شرق می‌پردازند و بیان می‌کنند که این فرهنگ‌ها قوانین الهی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و وابستگان به آن را «مرتجع کهنه‌پرست» می‌خوانند و مدعی‌اند که قوانین ۱۴۰۰ ساله اسلام، قدرت اداره امور دنیای نوآور را ندارند (خمینی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

ایشان در پاسخ به این دیدگاه و به منظور رفع اتهام رکود از فقه، صراحتاً موضع خود را این‌چنین بیان می‌دارند: «این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم؛ اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸).

امام (ره) با این بیان، مرز دقیقی بین اصالت روش (سنت) و کارآمدی نتیجه (پویایی) ترسیم می‌کنند. ایشان پویایی را در تضاد با سنت نمی‌بینند، بلکه آن را نتیجه طبیعی و ذاتی فقه سنتی (اجتهاد جواهری) می‌دانند. این پویایی بر مبنای دو عنصر کلیدی محقق می‌شود: زمان و مکان (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸). در اندیشه امام، فقیه واقعی کسی است که می‌تواند با لحاظ این دو عنصر، احکام الهی را به‌گونه‌ای استخراج کند که پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه باشد. لذا، پویایی برای امام نه یک مکتب فقهی جدید، بلکه یک ابزار اجتهادی لازم برای حفظ کارآمدی فقه سنتی است.

۲.۲.۲. تغییر موضوعات احکام؛ کلید پویایی

امام خمینی (ره) معتقد بود فقه سنتی ذاتاً پویاست و تغییر در موضوعات (نه احکام ثابت الهی) کلید انطباق با تحولات است: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم حکمی داشته، ممکن است امروز با تغییر روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، موضوع جدیدی شود که حکم جدیدی می‌طلبد» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸).

این نگاه امام (ره) نشان‌دهنده ظرافت نظری ایشان در برخورد با تحولات اجتماعی است. ایشان بدون اینکه حکم ثابت الهی (مانند حرمت ربا یا وجوب نماز) را تغییر دهند، بر این نکته تأکید می‌کنند که تغییرات محیطی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند ماهیت خارجی موضوع را دگرگون سازد. به‌عنوان مثال، یک قرارداد بانکی جدید ممکن است در ظاهر معامله باشد، اما با توجه به شرایط زمان و مکان، ماهیت آن در نزد فقیه به «ربا» یا «مصدقی از احتکار» تغییر یابد و در نتیجه، حکم جدیدی بگیرد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸). این قدرت تشخیص موضوع، همان پویایی‌ای است که فقه سنتی را برای اداره حکومت در عصر جدید کارآمد می‌کند. نمونه‌های عملی این تئوری در فتاوی‌ای امام (ره) بسیار مشهود است، مانند: جایز شمردن فروش قرآن به غیرمسلمانان با شرط هدایت (برخلاف نظر مشهور فقها که آن را مصداق سیل کفار می‌دانستند)، یا تغییر دیدگاه در خصوص نجاست کفار و ذاتی ندانستن آن (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۰).

۲.۲.۳. احکام حکومتی و مصالح نظام

امام (ره) در نامه‌ای به شورای نگهبان (دی ۶۷) صراحتاً بر لزوم انعطاف در فهم فقهی تأکید کردند: «خودتان فقهتان را کمی تغییر دهید! بسیاری از قوانین با احکام شرعی سازگار می‌شود

زیرا موضوع عوض شده است» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۰).

این نگاه امام خمینی (ره) که در قالب احکام حکومتی و ثانویه تبلور می‌یابد، جلوه‌ای بارز از پویایی فقه در عمل است. ایشان در پاسخ به آیت‌الله قدیری، بر نقش مصالح عامه بشری در تغییر احکام شرعی تأکید می‌کنند و بیان می‌دارند که احکام اسلامی با تغییر شرایط زمانی و مکانی می‌توانند گسترش یابند یا کم شوند (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۰). این امر نشان می‌دهد که فقه حکومتی امام، در عین حال تکیه بر اصول فقه جواهری، به افق جدیدی از اجتهاد می‌رسد که در آن، مصلحت نظام و جامعه می‌تواند به‌عنوان عنصری ثانویه، احکام اولیه‌ای را به‌صورت موقت محدود یا معطل سازد. این سطح از فقه، نیازمند مجتهدی جامع‌الشرایط است که علاوه بر عمق در فقه فردی، دارای فراست و تیزهوشی سیاسی و اجتماعی برای تشخیص مصالح عمومی نیز باشد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷).

۲.۲.۴. هشدار در مورد جبهه‌بندی‌های فقهی

امام (ره) ضمن تأکید بر پویایی ذاتی فقه، در مقابل هرگونه انحراف رادیکال و یا استفاده ابزاری از این مفاهیم نیز هشدار می‌دادند و با کنایه از خطر استعمار فکری و انحراف از متد اجتهادی جواهری، می‌فرمودند: «نمی‌دانم آمریکایی‌ها چه زمانی بر عروه حاشیه می‌زنند!» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۷).

این عبارت عمیق امام، نشان‌دهنده حساسیت ایشان نسبت به نفوذ فکری و سیاسی است. امام (ره) هرگونه تلاش برای ایجاد فقهی خارج از چارچوب متقن فقه شیعه (اجتهاد جواهری) را، حتی اگر با عنوان «پویایی» مطرح شود، محل نفوذ و بهره‌برداری دشمنان می‌دانستند. ایشان اختلافات میان نیروهای مؤمن به انقلاب بر سر مفاهیمی چون «فقه سنتی» و «فقه پویا» را مقدمه استفاده دشمنان دانسته و شدیداً از آن نهی می‌کردند. هدف نهایی امام، حفظ اعتدال و وحدت در حوزه علمیه بود تا جبهه‌بندی‌های داخلی، منجر به معارضه و اتهام‌زنی متقابل نشود و راه استفاده دشمنان از این واگرایی‌ها مسدود گردد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۷).

با توجه به مطالب مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که امام خمینی (ره) عملاً فقه سنتی را پویا می‌دانند و پویایی را عنصری ذاتی فقه معرفی می‌کنند. از دیدگاه ایشان، تغییر موضوعات احکام و نگاه کلان در فقه سیاسی و مصالح عامه اجتماعی نه تنها بیگانه از فقاہت نیست، بلکه چنین سطحی از فقه و تصدی امور امت اسلامی به سطح برتری از اجتهاد نیازمند است. این مرتبه از اجتهاد در منظر امام (ره)، بالاتر از اجتهاد معهود حوزه‌های علمیه است و به همین دلیل برای اداره جامعه و حکومت ضروری است. امام (ره) بر این باور بودند که مجتهد حاکم نمی‌تواند صرفاً به قواعد فقه فردی بسنده کند، بلکه باید ویژگی‌های دیگری نظیر فراست و تیزهوشی، برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری، توان شناخت انسان‌های صالح و تشخیص مصالح عمومی اجتماع اسلامی را نیز دارا باشد (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷). در واقع، پویایی فقه در اندیشه امام، در فقیه حاکم تبلور می‌یابد که علاوه بر تسلط بر مبانی، دارای یک بینش حکومتی و اجتماعی عمیق است تا بتواند پویایی نهفته در فقه سنتی را در بزنگاه‌های اجتماعی و سیاسی به



فعلیت برساند.

۳. فقه سنتی و پویا در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

۳.۱. حفظ فقه سنتی (جواهری)

آیت الله خامنه‌ای، همانند رهبر پیشین انقلاب، بر فقه سنتی و جواهری به عنوان مبنای اول تحرک، سازماندهی و نوآوری حوزه‌های علمیه تأکید می‌کنند. ایشان این فقه را یگانه راهکار برای حکمرانی و علاج مشکلات مستحدثه می‌دانند (سخنرانی ۲۰/۰۴/۱۳۶۸). از نظر ایشان، فقه جواهری صرفاً یک عنوان نیست، بلکه مظهر یک فقاہت دقیق و مقید به مقررات، قواعد اصولی و فقهی رایج است؛ به گونه‌ای که صاحب جواهر به عنوان نمونه‌ای از فقیهی منظم، از تمام ابزارهای معمول فقاہت چون شهرت، اجماع، ظواهر ادله و اصول بهره می‌گرفت. به همین دلیل، ایشان صراحتاً موضع‌گیری می‌کنند و هرگونه دوگانگی بین سنت و پویایی را رد می‌کنند و می‌فرمایند: «ما دو فقه، یکی سنتی و دیگری پویا نداریم. فقه پویا، همان فقه سنتی ماست.»

در این دیدگاه، ویژگی پویایی به معنای وجود فقهی غیر از فقه سنتی جواهری نیست، بلکه پویایی ذاتی فقه سنتی است؛ زیرا این فقه توانایی «علاج‌کننده‌ی مشکلات انسان و پاسخگویی حوادث واقع» را داراست و سنتی بودن آن نیز به معنای پیروی از شیوه‌ای است که قرن‌ها برای انجام اجتهاد معمول بوده و کارایی خود را ثابت کرده است (سخنرانی ۲۰/۰۴/۱۳۶۸). بنابراین، توصیه کلیدی ایشان به حوزه‌ها، تقویت فقاہت و اهتمام جدی به درس فقهی است؛ چراکه بدون «درس خواندن و زحمت کشیدن و ملاً شدن، نمی‌توان مفید واقع شد» (سخنرانی ۲۰/۰۴/۱۳۶۸).

درواقع، آیت الله خامنه‌ای فقه امام خمینی (ره) را نیز همین فقه سنتی می‌داند که با توجه به الزاماتی که عده‌ای از آن غافل بوده‌اند، پویایی خود را نشان داده است. ایشان همچنین ادعا می‌کنند که فقهای شیعه در تمام ادوار، سیاست و حکومت را از متن دین استنباط می‌کردند و به آن اذعان داشتند، اما تفاوت امام خمینی (ره) این بود که «برای تحقق آن فرصت پیدا نکردند، اما این را جزو مسلمات فقه اسلام شناختند و دانستند» (بیانات ۱۴/۰۳/۱۳۸۳).

۳.۲. تأکید بر فقه امام خمینی و تبیین نگاه فقهی ایشان

آیت الله خامنه‌ای همواره خود را به مثابه بزرگ‌ترین شارح و تبیین‌گر مبانی امام خمینی (ره) معرفی می‌کنند و در مباحث فقهی، در حال تبیین و تأیید اندیشه فقهی ایشان هستند. در این دیدگاه، فقه امام متمایز و راهگشا تلقی می‌شود؛ نه به دلیل اختراع یک فقه جدید، بلکه به دلیل تحقق بخشیدن به ظرفیت‌های مغفول مانده فقه سنتی در حوزه حکومت.

ایشان در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری، ضمن اشاره به سابقه دیرینه فقه سیاسی در شیعه، نظام‌سازی بر اساس این فقه را «یک تجربه جدید» می‌دانند و بر این مهم تأکید می‌کنند: «اول کسی که در مقام نظر و در مقام عمل - توأم - یک نظام ایجاد کرد، امام بزرگوار ما بود؛ که مردم‌سالاری دینی را مطرح کرد، مسئله‌ی ولایت فقیه را مطرح کرد. بر اساس این مبنا، نظام اسلامی بر سر پا شد. این، اولین تجربه هم هست.» (بیانات ۱۷/۰۶/۱۳۹۰).

این کار بزرگ امام (ره) در واقع «نگرشی جدید در فقه شیعه بود» (خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۸/۰۴/۲۳). امام خمینی (ره) فقه مستحکم شیعه را در گستره‌ای وسیع و با نگرشی جهانی و حکومتی مورد توجه قرار داد و ابعادی از فقه را روشن ساخت که پیش از آن مغفول مانده بود (خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۸/۰۴/۲۳). نکته مهمی که آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این فقه متذکر می‌شوند، جاری و پویا بودن فرایند نظام‌سازی است که بر اساس مبانی فقهی انجام شده است. ایشان متذکر می‌شوند که نظام‌سازی «یک امر دفعی و یکباره نیست»، بلکه جریانی است که باید روزبه‌روز «تکمیل شود، متمیم شود».

این دیدگاه بر لزوم نقش زمان و مکان در اجتهاد تأکید می‌کند؛ به این معنا که اگرچه ممکن است در مواردی اشتباهی رخ دهد، اما باید آن را تصحیح و اصلاح کرد. رهبر انقلاب تأکید می‌کنند که این تکمیل‌گری به معنای «خراب کردن گذشته»، از بین بردن قانون اساسی یا ضایع کردن نظام حکومتی نیست، بلکه به معنای «حفظ آنچه را که ساختیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم» (بیانات ۱۳۹۰/۰۶/۱۷). این رویکرد مستمر، وجه تمایز فقه امام خمینی (ره) و دلیل تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر تبیین و پیگیری آن است.

۳.۳. فقه کارآمد (نقش فقه در سیاست و حکومت)

آیت‌الله خامنه‌ای با اعتقاد راسخ به کارآمدی فقه در تمامی زمینه‌ها، تنها راه علاج مشکلات حکومتی و اجتماعی را در فقه اسلامی می‌دانند و علت اصلی عقب‌ماندگی یا نارسایی‌ها را به «عدم گسترش فقه» به زمینه‌های نوظهور نسبت می‌دهند. در اندیشه ایشان، اگرچه کار اصلی حوزه‌های علمیه فقه است، اما فقه را نباید صرفاً به طهارت، نجاسات و عبادات محدود کرد؛ بلکه «فقه اسلامی، مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعیاً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصاداً؛ فقه‌الله‌الاکبر این است.» (بیانات ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). ایشان معتقدند فقه توانایی دارد تا پاسخگوی همه‌ی مسائل زندگی باشد و «همه‌ی مسائل زندگی را شامل بشود» (بیانات ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).

برای اثبات این نارسایی، ایشان مثال‌های متعددی را در زمینه‌های اقتصادی و قضایی مطرح می‌کنند؛ از جمله مسائل مربوط به ماهیت پول، عملیات بانکی، ارزش پول در هنگام تورم‌های سنگین، و احکام حکومتی، دیات و حدود که برای دستگاه عظیم قضاوت نیازمند حل فقهی هستند. ایشان این وضعیت را ناشی از آن می‌دانند که «فاضل محقق کارآمد، به این قضیه نپرداخته است»، نه آنکه فقه توانایی نداشته باشد. فقه نباید با نگاهی سطحی و اکتفا به اطلاعات و عموماً، این مسائل پیچیده و نوظهور را به‌سادگی حل کند، بلکه باید با همان ذهن جوّال و دقتی که فقها در باب عبادات و طهارت به کار برده‌اند، به این مسائل پردازد و پاسخ شرعی آن‌ها را استخراج کند (بیانات ۱۳۷۰/۰۶/۳۱).

از نگاه ایشان، تحول در فقه به معنای بازگشت صحیح به فقه سنتی جواهری است؛ فقهی که «متکامل است» و شیوه‌ی استنباط آن (فقاہت) نیز نیاز به تهذیب و نوآوری دارد (بیانات ۱۳۷۰/۰۶/۳۱). این فقه باید فعال باشد و صرفاً در انتظار سؤالات جامعه نماند، بلکه «تمام



مشکلات و معضلات نظام را پیش‌بینی کند» و «خودش نظام مسائل را طراحی، تولید و اجرا کند» (بیانات ۳۱/۰۶/۱۳۷۰). این همان فقه امت‌ساز است که می‌تواند «شاکله‌ی نظامات اجتماعی را برای اداره‌ی جامع و کامل جامعه بر اساس اندیشه‌ی اسلامی طراحی کند» (بیانیه حوزه پیشرو و سرآمد ۱۴۰۴).

۳.۳.۱ الف. الزامات پاسخگویی فقه

آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند کارآمدی فقه، بدون توجه به الزامات ذاتی آن، محقق نخواهد شد. این الزامات که فقه را پویا و به دور از آفت تحجر و انفعال نگه می‌دارند، در سه محور اصلی قابل بررسی هستند:

۳.۳.۱.۱ نقش زمان و مکان در اجتهاد

«نقش زمان و مکان در استنباط فقهی» از جمله شعارهای محوری امام خمینی (ره) است که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، به روشنی احاطه‌ی علمی و بصیرت و تیزبینی ایشان را آشکار می‌سازد (پیام به کنگره زمان و مکان ۱۴/۱۱/۱۳۷۲). این اصل، پشتوانه عظیمی برای اثبات پویایی شریعت است و خط بطلانی بر این بهانه می‌کشد که احکام دینی حقیقتی جامد و ناسازگار با جریان پیوسته زندگی است. حقیقت آن است که «کوثر شریعت و فقه، در جریانی دائمی و ابدی، از سرچشمه‌ی وحی، به سوی عرصه‌های گوناگون حیات جاری است.» (پیام به کنگره زمان و مکان ۱۴/۱۱/۱۳۷۲).

وظیفه فقیه زمان‌شناس آن است که از طریق این اصل، تازه‌های جهان و اوضاع و احوال گوناگون زندگی بشر را دریابد و با «انضباط فکری کامل و پابندی به اصول فقاهاست»، حکم شرعی را استنباط کند. ایشان خطر «بی‌بندوباری علمی» را به همان اندازه «جمود فکری و کوته‌بینی» سنگین می‌دانند و تأکید می‌کنند که «فقه پویانده و منطبق بر نیازهای همیشه و همه جا را همان فقه سنتی دانسته‌اند» (پیام به کنگره زمان و مکان ۱۴/۱۱/۱۳۷۲).

نقش زمان و مکان می‌تواند حتی باعث تغییر در حکم شود؛ زیرا ممکن است موضوعی با تغییر روابط حاکم بر سیاست، اجتماع و اقتصاد، در واقع موضوع جدیدی شده باشد و حکم جدیدی بطلبد. باین حال، ایشان هشدار می‌دهند که این نوفهمی نباید به «ناخالص‌سازی شریعت» منجر شود (بیانیه حوزه پیشرو و سرآمد ۱۴۰۴).

۳.۳.۱.۲ فقه اجتماعی و فقه حکومتی

فقه باید از انحصار در فقه فردی خارج شده و به صورت جدی به فقه اجتماعی و حکومتی پردازد. آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به توطئه‌های ترویج «جدایی دین از سیاست» که از قرن نوزدهم توسط اروپائیان ترویج می‌شد و توسط امام خمینی (ره) خط بطلان بر آن کشیده شد، تأکید می‌کنند که «یکی از احکام دین، احکام اداره‌ی امور کشور و احکام سلطانیه است» (بیانات ۰۵/۱۰/۱۳۶۸).

فقه شیعه در طول قرون متمادی به دلیل عدم دسترسی به حکومت، به یک «فقه فردی»

محدود شد و از تحولات دنیای خارج بی‌خبر ماند. در نتیجه، «مسائل اصلی فقه - مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و خلاصه فقه حکومتی - منزوی و متروک و «نسیاً منسیاً» شد» (بیانات ۲۹/۰۹/۱۳۶۸). تلاش امام (ره) آن بود که فقه شیعه را به سمت «فقه اجتماعی و فقه حکومتی» بکشاند تا پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد.

ایشان تحجّر را به معنای ناتوانی فقیه در شناخت «نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه‌ی زندگی یک ملت» و اکتفا به ظواهر احکام می‌دانند. تحجّر، فقه را در وضعیتی «ایستا و بدون انعطاف» قرار می‌دهد و مانع از آن می‌شود که فقیه «دستور روز» را برای نیازهای سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه ارائه دهد (بیانات ۱۴/۰۳/۱۳۷۶). امروزه روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت، یکی از «واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی» است (پیام به جامعه مدرسین ۲۴/۰۸/۱۳۷۱).

۳.۳.۱.۳. فقه فعال و منظوم

فقه باید نقشی پیش‌بینی‌کننده و فعال داشته باشد. فقه اجتماعی در نظر رهبری به معنای انفعال و پاسخگویی صرف به سؤالات نیست، بلکه باید «نظام مسائل را طراحی، تولید و اجرا کند» (بیانات ۳۱/۰۶/۱۳۷۰). ایشان بر لزوم «عمق بخشیدن و پیچیدگی» به فقه، فراتر از سطح فقهای گذشته، و همچنین «سعه و فراگیری مسائل زندگی» تأکید می‌کنند.

برای مثال، ابوابی چون مضاربه در فقه سنتی می‌توانند نظام بانکی را اداره کنند، اما نیازمند تفحص و کار بیشتر هستند. این رویکرد فعال مستلزم آن است که حوزه‌ها با یافته‌های امروز بشر در عرصه‌ی علوم انسانی و دانش‌های مرتبط با زندگی انسان آشنا شوند تا فقیه بتواند «شاکله‌ی نظامات اجتماعی» را بر اساس اندیشه اسلامی طراحی کند. از این رو، ایشان تأسیس «درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی» را در حوزه علمیه قم ضروری می‌دانند تا پاسخ‌های فقهی برای چالش‌های نوبه نو نظام اسلامی مشخص شود و در معرض استفاده نخبگان و ملت‌های دیگر قرار گیرد (بیانات ۱۷/۰۶/۱۳۹۰).

۴. بررسی تطبیقی فقه سنتی و پویا در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

بررسی تطبیقی اندیشه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص فقه، نشان‌دهنده یک تداوم مبنایی و تکامل عملیاتی است. هر دو رهبر، پویایی فقه را نه در ابداع یک مکتب جدید، بلکه در ظرفیت ذاتی فقه سنتی (جواهری) می‌بینند؛ اما در عمل، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان شارح و تداوم‌بخش، بر جنبه‌های نظام‌سازی و الزامات کارآمدی این فقه در عصر حکمرانی تأکید بیشتری دارند.

۴.۱. اشتراکات مبنایی: پویایی در چارچوب سنت

مهم‌ترین نقطه اشتراک در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، تأکید بر یگانگی و اصالت روش اجتهاد است. هر دو رهبر، فقه پویا را نه یک مکتب موازی یا رقیب، بلکه تجلی کارآمدی فقه سنتی می‌دانند.

۴.۱.۱. الف) یگانگی فقه و نفی دوگانگی

آیت‌الله خامنه‌ای به صراحت، هرگونه تفکیک را رد می‌کنند و معتقدند: «مادو فقه، یکی سنتی و دیگری پویا نداریم. فقه پویا، همان فقه سنتی ماست» (سخنرانی ۲۰/۰۴/۱۳۶۸). این موضع، در امتداد هشدارهای اکید امام خمینی (ره) است که هرگونه تلاش برای «درست کردن فقه تازه‌ای» را «آغاز هلاکت حوزه» معرفی کردند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰: ۱۹۰).

بنابراین، هر دو رهبر بر این باورند که سنت در فقه به معنای پایبندی به متدولوژی اثبات‌شده اجتهاد شیعی (ادله اربعه و اصول فقه) است و نه تصلب فکری. پویایی از دیدگاه هر دو، نه در تغییر منابع، بلکه در عمق‌بخشی به فهم منابع نهفته است. امام (ره) نیز بر این اصل تأکید داشتند که اجتهاد باید «به همان سبک صحیح» باقی بماند، اما این بدان معنا نیست که فقه ایستا است (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸).

۴.۱.۲. ب) زمان و مکان به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده

هر دو رهبر، کلید تحقق پویایی فقه را در به‌کارگیری صحیح دو عنصر «زمان و مکان» در فرآیند استنباط می‌دانند. امام خمینی (ره) این قاعده را این‌گونه بیان کردند: «این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز این اصل را محور پویایی شریعت دانسته و آن را نشان‌دهنده «احاطه‌ی علمی و بصیرت و تیزبینی» امام می‌شمارند و تأکید می‌کنند که فقیه باید تازه‌های جهان و اوضاع و احوال زندگی بشر را از طریق این اصل دریابد (پیام به کنگره زمان و مکان ۱۴/۱۱/۱۳۷۲). در حقیقت، هر دو معتقدند که پویایی از طریق تغییر موضوعات محقق می‌شود، نه تغییر احکام ثابت؛ چراکه با دگرگونی روابط اجتماعی و اقتصادی، یک مسئله قدیمی می‌تواند «موضوع جدیدی شود که حکم جدیدی می‌طلبد» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸). این تأکید مشترک بر تشخیص موضوع، وجه تمایز فقه حکومتی شیعه از مکاتب فقهی سنتی صرف است.

۴.۲. تفاوت‌ها و تأکیدات عملیاتی: از تأسیس تا تبیین

با وجود اشتراک مبنایی، تفاوت‌هایی در کانون تمرکز و تبیین فقهی دو رهبر به چشم می‌خورد که متأثر از موقعیت تاریخی هر یک (امام به‌عنوان مؤسس، و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان تداوم‌بخش) است.

۴.۲.۱. الف) فقه حکومتی: از تأسیس تا تکامل

امام خمینی (ره) در فقه خود به تأسیس و اثبات فقه حکومتی و امکان اداره امور کشور بر اساس آن پرداختند و آن را «فلسفه عملی تمامی فقه» دانستند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۸۹). ایشان با عملی کردن نظریه ولایت فقیه، فقه را از فقه فردی (مغفول‌مانده در طول قرون) به فقه اجتماعی و سیاسی ارتقا دادند (بیانات ۲۹/۰۹/۱۳۶۸).

در مقابل، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان شارح، بر تکمیل و جاری‌سازی این فقه حکومتی

تأکید دارند. ایشان کار امام (ره) در نظام‌سازی را «اولین تجربه» می‌دانند (بیانات ۱۷/۰۶/۱۳۹۰) و وظیفه فقه امروز را این می‌دانند که نظام‌سازی «تکمیل شود، تتمیم شود» (بیانات ۱۷/۰۶/۱۳۹۰). ایشان با فراخوانی حوزه‌ها به تأسیس «درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی» (بیانات ۱۷/۰۶/۱۳۹۰)، بر لزوم نهادینه شدن این فقه در ساختار حوزوی پافشاری می‌کنند.

۴.۲.۲. ب) گسترش دامنه کارآمدی فقه

در حالی که امام (ره) بر ضرورت خروج فقه از انزوا تأکید داشتند، آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور مشخص بر بسط دامنه‌ی کارآمدی فقه در حوزه‌های نوظهور تأکید می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای صراحتاً فقه را به «فقه‌الله‌الاکبر» تعبیر می‌کنند که «مشمول بر همه‌ی جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعیاً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادیاً» (بیانات ۳۰/۱۱/۱۳۷۰). ایشان ریشه نارسایی‌های حکومتی را در «عدم گسترش فقه» به زمینه‌هایی چون ماهیت پول، عملیات بانکی و اقتصاد کلان می‌دانند و فقیه را ملزم می‌کنند که با همان دقت فقه جواهری در باب عبادات، به پاسخ شرعی مسائل نوظهور پردازد (بیانات ۳۱/۰۶/۱۳۷۰). این نگاه به فقه فعال و منظوم که «خودش نظام مسائل را طراحی، تولید و اجرا کند» (بیانات ۳۱/۰۶/۱۳۷۰)، در حقیقت، تکامل عملیاتی پویایی فقه امام (ره) در عرصه حکومت و جامعه است.

۴.۲.۳. ج) فقیه جامع‌الشرایط: از حکم تا حکمرانی

هر دو رهبر بر ضرورت فقیه‌ی با ویژگی‌های فراتر از فقه فردی تأکید دارند، اما آیت‌الله خامنه‌ای این الزامات را با توجه به نیازهای نظام اسلامی تبیین می‌کنند. امام خمینی (ره) فقیه لازم برای اداره امت اسلامی را نیازمند «فراست و تیزهوشی، برخورداری از قدرت تصمیم‌گیری، توان شناخت انسان‌های صالح و تشخیص مصالح عمومی اجتماع اسلامی» می‌دانستند (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷). این تأکیدات نشان از یک نگاه کلان به صلاحیت فقیه حاکم دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز با تأکید بر خطرات «بی‌بندوباری علمی» در کنار «جمود فکری» (پیام به کنگره زمان و مکان ۱۴/۱۱/۱۳۷۲)، بر لزوم بینش سیاسی و اجتماعی در فقیه تأکید می‌کنند تا بتواند «نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه‌ی زندگی یک ملت» را تشخیص داده و «دستور روز» را ارائه دهد (بیانات ۱۴/۰۳/۱۳۷۶). در نهایت، فقیه در منظر هر دو، باید دارای جامعیت در حکم و بصیرت در حکمرانی باشد تا فقه سنتی، بتواند پویایی ذاتی خود را در عمل به اثبات برساند.

فهرست منابع

کتاب فارسی و عربی:

- ابن فارس، احمد بن زکریا. (بی تا). مقایس اللغه. جلد ۴. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. جلد ۱۰ و ۱۳. بیروت: دار صادر.
- اصفهانى، سید ابوالحسن. (بی تا). وسیلة النجاة. جلد ۱. مقدمه یا باب اجتهاد و تقلید. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). صحاح اللغه: تاج اللغه و صحاح العربیة. جلد ۶. بیروت: دار العلم للملایین.
- خمینی، روح الله (امام). (بی تا). وصیت نامه سیاسی-الهی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (امام). (۱۳۸۹). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره). جلد ۱۵، ۲۰، و ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (امام). (۱۳۹۲). نامه به مسؤولان عالی رتبه نظام (نامه‌های مهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). مصباح الاصول. جلد ۱. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. دمشق: دار القلم.
- زبیدی، محمد مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. جلد ۲۵ و ۳۵. بیروت: دار الفکر.
- شهید اول (شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی عاملی). (۱۴۰۱ق). القواعد و الفوائد. جلد ۱. قم: مکتبه المفید.
- شهید ثانی (شیخ زین‌الدین بن علی عاملی). (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. جلد ۱. قم: دار العلم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. جلد ۴ و ۸. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ. (۱۴۱۸ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر. جلد ۲. قم: دار الهجرة.

سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها:

خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله). (۲۴/۰۸/۱۳۷۱). پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله). (۱۴/۱۱/۱۳۷۲). پیام به کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد.

خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله). (۱۴۰۴). بیانیه حوزه پیشرو و سرآمد ۱۴۰۴.

خامنه‌ای، سید علی (آیت‌الله). (۲۰/۰۴/۱۳۶۸). بیانات در دیدار با طلاب و فضلا.